

روس‌های سفید، بریتانیا و مواضع ایران

۱۵ مرداد ۱۴۰۲ ساعت ۱۸:۱۱

بعد از انقلاب اکتبر روسیه، روابط انگلیس با این کشور و به خصوص برخی از گروه‌های خاص دچار تغییر و تحولاتی شد. یکی از این گروه‌ها، گروه‌های موسوم به روس‌های سفید است. انگلیس نقش مهمی برای روس‌های سفید قائل بود و امیدوار بود از طریق این گروه بتواند برخی از مقاصد سیاسی خود را محقق سازد. روس‌های سفید به گروهی خاص از نظامیان تزاری اطلاق می‌شود که بعد از انقلاب اکتبر به یکی از نیروهای مخالف بلوشیک‌ها تبدیل شدند. با این مقدمه در ادامه به بررسی روس‌های سفید و ارتباط آن‌ها با انگلیس پرداخته شده است.

بعد از انقلاب اکتبر روسیه، روابط انگلیس با این کشور و به خصوص برخی از گروه‌های خاص دچار تغییر و تحولاتی شد. یکی از این گروه‌ها، گروه‌های موسوم به روس‌های سفید است. انگلیس نقش مهمی برای روس‌های سفید قائل بود و امیدوار بود از طریق این گروه بتواند برخی از مقاصد سیاسی خود را محقق سازد. روس‌های سفید به گروهی خاص از نظامیان تزاری اطلاق می‌شود که بعد از انقلاب اکتبر به یکی از نیروهای مخالف بلوشیک‌ها تبدیل شدند. با این مقدمه در ادامه به بررسی روس‌های سفید و ارتباط آن‌ها با انگلیس پرداخته شده است.

انقلاب اکتبر ۱۹۲۱ و روس‌های سفید

روسیه در سال ۱۹۲۱ با تحولات جدیدی روبرو شد که روابط این کشور را با انگلیس تغییر داد. انقلاب ۱۹۲۱ انقلابی بود که طی آن بساط تزارها برچیده شد و بلشویک‌ها روی کارآمدند. بلشویک‌ها مشی سیاسی داشتند. از این انگلیس هراس زیادی از آن داشت. با اینکه بلشویک‌ها اعلام کردند که به دلیل پرداختن به امور داخلی خود، سیاست‌های استعماری روسیه را متوقف خواهند کرد؛ اما انگلیس همچنان از این کشور هراس داشت. ترس انگلیس ریشه در مسائل و دلایل زیادی داشت. یکی از این دلایل پیمان مودت ۱۹۲۱ بود. پیمان مودت میان بلشویک‌ها و ایران منعقد شد.

به زعم دولتمردان انگلیسی، پیمان مودت ۱۹۲۱ ایران و شوروی به شدت بر ضد منافع انگلیس در ایران بود. این موضوع لزوم تجدیدنظر در سیاست‌های انگلیس در خاورمیانه و از جمله ایران را الزامی می‌کرد. از جمله آنکه با انقلاب اکتبر ۱۹۲۱ سیاست سنتی انگلیس در ایران که ضعیف و غیرمتمرکز بودن حکومت و تماس با رؤسای ایلات و عشایر بود، دیگر کارآیی نداشت و بایستی دچار تغییر اساسی می‌شد. لذا آنها با بهره‌گیری از ابزار کارساز تبلیغات، کمونیسم هراسی یا تبلیغ خطر بلشویسم را برای پیشبرد اهداف خود در پیش گرفتند.

در کنار کمونیسم هراسی، انگلیس حمایت از روس‌های سفید را نیز در دستور کار خود قرار داد. انگلیس این کار را از طریق نیروهای خود که در ایران اقامت داشتند انجام می‌داد. در این رابطه در برخی از منابع آمده است: «با اینکه سیاست روس‌های تزاری بعد از انقلاب در ایران برجیده شده بود، اما پرچم آنها هنوز بر سر در برخی مؤسسات آنها باقی بود. انگلیسی‌های مقیم ایران هم از این گروه حمایت می‌کردند و حتی در برخی موارد به اینان که روس‌های سفید نامیده می‌شدند حقوق هم می‌دادند و مقاصد سیاسی خویش را تعقیب می‌نمودند.»

روس‌های سفید در واقع گروه‌های نظامی هوادار تزارها بودند که با بلشویک‌ها مبارزه می‌کردند. فرماندهی روس‌های سفید با ژنرال دنیکین بود، نیروی همراه او بزرگترین قوه ضدبلشویک به شمار می‌آمد و امیدواری متفکین این بود که نیروهای تحت امر او بتوانند دولت جدیدالتأسیس شوروی را ساقط سازند. این نیرو بعد از وقوع انقلاب، جنوب روسیه را جولانگاه عملیات خود ساخته و کشتی‌های جنگی آن در بحر خزر از اهمیت زیادی برخوردار بود.

انگلیس علاوه بر کمک مستقیم به روس‌های سفید از نیروهای قزاق حاضر در ایران نیز حمایت می‌کرد. حمایت از قزاق‌ها نیز در راستای حمایت از روس‌های سفید بود. به عبارتی در این زمان که ارتباط و کمک مالی روسیه به نیروی قزاق ایرانی قطع شده و افسران روسی این تیپ، بدون هرگونه پشتیبانی مالی و لجستیکی در وضع فلاکت بار خود رها شده بودند، دولت انگلستان از این فرصت استفاده کرد و با کمک مالی ماهانه ۵۰ هزار پوند به این نیرو و برقرار کردن ارتباط دوستانه با روس‌های سفید و هیأت نمایندگی روسیه که خود را همچنان نماینده حکومت تزاری می‌دانستند تلاش نمود خلا قدرت را پر کرده و شمال ایران را نیز به منطقه نفوذ خود اضافه کند.

مواضع ایرانیان نسبت به روس‌های سفید

علاوه بر انگلیس، ایران نیز به دلیل تبلیغاتی که علیه کمونیست‌ها صورت گرفته بود از روس‌های سفید حمایت می‌کرد. با این حال گروهی از ایرانیان نیز تحت تاثیر اندیشه‌های ضداستعماری بلشویسم قرار گرفته و از آنها حمایت می‌کردند. بر این اساس هواداران ایرانی بلشویک‌ها در جریان جنگ‌های داخلی ۱۹۱۸-۱۹۲۱ در کنار همقطاران روسی خود به نبرد با روس‌های سفید و ضد انقلابیون داخلی و خارجی پرداختند.

حتی گفته شده است برخی از ایرانیان بعد از حضور روس‌های سفید در شمال ایران با بلشویک‌ها همکاری کردند و برای سرنگون کردن آنها دست به همکاری زدند. در برخی از منابع است سال‌های بعد از جنگ مخصوصاً در سال ۱۹۲۰ بر سر حضور روس‌های سفید در ایران تعدادی از ناوگان روسی به طرف دریای خزر و سواحل ایران حرکت کردند و با مردم همکاری نمودند. در این موقع بود که روس‌ها نماینده جدیدی به نام تئودور روتشتین به ایران فرستادند و این دیپلمات برای مدت‌ها مسؤول تبلیغات روس‌ها در ایران شد. جالب اینجاست که روتشتین قبل از مأموریت دیپلماسی خود یکی از نویسندگان روزنامه‌های «منچستر گاردین» چاپ انگلستان بود.

سرانجام روس‌های سفید مشخص است. روس‌های سفید در برابر بلشویک‌ها شکست خوردند و انقلاب اکتبر پیروزی خود را نهایی کرد. قشون دنیکین با همه حمایت‌های مادی و معنوی که از متفقین دریافت داشت، در برابر قوای سرخ شکست خورد، کشتی‌های خود را یا از دست داد و یا اینکه از بنادر دیگر بحر خزر فرار کرد و به آب‌های ایران در انزلی پناه آورد. در این شرایط انگلیس که در برابر عمل انجام شده قرار گرفته بود به سیاست جدیدی متوسل شد. این کشور این بار به جای حمایت از روس‌های سفید که دیگر عملاً از بین رفته بودند، با پررنگ کردن خطر بلشویسم، بر ضرورت حکومت متمرکز تاکید کرد. نتیجه اتخاذ این دیدگاه روی آوردن رضاخان و حمایت از حکومت او بود که با کودتای ۱۲۹۹ رقم خورد و منجر به شکل‌گیری حکومت پهلوی شد.

سخن نهایی

روابط انگلیس و روسیه از زمان استقرار در ایران تا انقلاب اکتبر ۱۹۲۱ با تغییر و تحولات گسترده‌ای مواجه شد. این سیاست در ابتدا با رقابت و روابط خصمانه شروع شد و به تدریج به همکاری و روابط دوستانه تغییر کرد. جالب آنکه انگلیس در زمان تزارها بارها به مخالفت با تزارها پرداخته اما بعد از قرارداد ۱۹۰۷ روابط خود با تزارها را بهبود بخشید. با این حال این رابطه با تغییر حکومت روسیه متزلزل شد و انگلستانی که در دوره‌ای از روابط خود با روسیه به دنبال سرنگونی تزارها بود، با انقلاب اکتبر از حامیان تزارها حمایت می‌کرد. این موضوع متأثر از منافع انگلیس در خاورمیانه از جمله ایران بود و باعث شد تا انگلیس بخشی از سیاست‌های خود در ایران را تغییر دهد.

۱ - ایران و استعمار انگلیس: مجموعه سخنرانی‌ها و مقالات، تهران، موسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، دبیرخانه دائمی همایش‌ها، ۱۳۹۱، ص ۱۷۳

۲ - حسین آبدیان، ایران از سقوط مشروطه تا کودتای سوم اسفند، تهران، موسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، ۱۳۸۵، ص ۶۲۴

۳- همان، ص ۶۲۴

۴ - ایران و استعمار انگلیس: مجموعه سخنرانی‌ها، مقالات و میزگرد، تهران، موسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، ۱۳۸۷، صص ۶۴۲

۵ - حسن فراهانی، روز شمار تاریخ معاصر ایران، جلد ۱، تهران، موسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، ۱۳۸۵، ص ۶۰۴

۶ - حمید مولانا، سیر ارتباطات اجتماعی در ایران، تهران، نهاد کتابخانه‌های عمومی کشور، موسسه انتشارات کتاب نشر: بنیاد علمی فرهنگی مولانا، ۱۳۹۱، ص ۱۴۴

۷ - آبدیان، همان، ص ۶۲۴

آدرس مطلب :

<https://www.cafetari.kh.com/news/49290/ايران-مواضع-بريتانيا-سفيد-هاي-روس/>